



رشوه، پدیده شوم اجتماعی

پدیدآورنده (ها) : عسکری اسلامپور کریمی

فقه و اصول :: نشریه مبلغان :: آبان و آذر ۱۳۸۷ - شماره ۱۰۹

صفحات : از ۷۷ تا ۸۸

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/397788>

تاریخ دانلود : ۱۴۰۲/۰۵/۱۸

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه **قوانین و مقررات** استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



مقالات مرتبط

- حرمت رشوه در آیات و روایات
- تحلیل مفهومی «لاکراه فی الدین» و نظریه «آزادی و مسئولیت عقیده»
- بررسی حکم و مبانی فقهی رشوه در غیر قضاوت
- حق در اختیار گرفتن کالا در کنوانسیون CMR و مقایسه آن با قانون تجارت ایران
- واکاوی اثر سلطنت انسان بر اعضای بدن خود در خرید و فروش عضو
- رابطه منطقی قاعده فقهی لاضرر و قاعده غربی سوء استفاده از حق
- معاونت در جرم
- مطالعه ی تطبیقی اصول تفسیر قرارداد
- مبانی فقهی اسلام و آزادی های سیاسی - اجتماعی
- اجتماع اسباب در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲
- حق دسترسی به غذا در مخاصمات از منظر موازین حقوق بین الملل
- ایرادات با اثر مانع دائمی در داوری تجاری بین المللی

عناوین مشابه

- رشوه، پدیده شوم اجتماعی (۲)
- رشوه، پدیده شوم اجتماعی
- بررسی عوامل اجتماعی پدیده خشونت در بین جوانان
- بررسی تاثیر شبکه های اجتماعی در بروز پدیده طلاق
- بررسی پدیده استیگما (داغ اجتماعی) در مادران دارای فرزند با نشانگان داون در شهر اصفهان: رویکردی روانی-اجتماعی
- بررسی محتوای صندلی نوشته های کلاس های درس دانشگاه شهید باهنر کرمان از حیث مقولات اجتماعی، با تاکید بر پدیده خراب کاری
- تحلیل تاثیر عوامل اقتصادی و اجتماعی در فرایند شکل گیری مناطق حاشیه نشین و راهکارهای رویارویی با این پدیده با تاکید بر توانمندسازی
- تحلیل کیفی پیامدهای اجتماعی - اقتصادی پدیده قاچاق سوخت در شهرستان میناب
- بررسی پدیده عکاسی در ساختارهای اجتماعی، با توجه به جایگاه حرم امام رضا (علیه السلام) با رویکردی روایی/بخش اول شغل شریف
- زیست بوم و تطور فرهنگی: ارزیابی پدیده اقلیمی ۸.۲ بر ساختارهای اجتماعی و اقتصادی هزاره هفتم پیش از میلاد فارس



عسکری اسلامپور کریمی

مقدمه

جزو کارهای ننگین و بی اندازه پست به حساب می آید و تنها عده معدودی در خفا و به طور قاچاق به آن آلوده می شدند و اگر روزی پرده از راز آنها برداشته می شد، به سختی مجازات می شدند و دیگر نمی توانستند با بدنامی در میان تنقّر شدید مردم به زندگی آبرومندانانه ادامه دهند و چه در روزگار ما که جزء کارهای عادی درآمد و از این بالاتر در نظر بعضی، از نشانه های بارز مردمان لایق و با عرضه به حساب می آید.

در این نوشتار مختصر برآنیم تا با مطالعه در منابع اصیل اسلامی فلسفه

«رشوه» از امور متداولی است که مظاهر نکبت بار آن در بسیاری از جوامع و از جمله جامعه های اسلامی، مشاهده می گردد. و شاید کم تر کسی باشد که لفظ «رشوه» را نشنیده و یا تا به حال با «واقعیت» آن در خارج ولو به عنوان حق و حساب و هدیه روبرو نشده باشد. به شهادت تاریخ، ارتکاب این خیانت با تمام مراحل و صورتهای گوناگونی که پیدا کرده، و با همه رنگهای متفاوتی که در بستر زمان به خود گرفته، چه جنایاتی را که به بار نیاورده است! چه در آن روزگار که

حفظ، برای رشوه بیان شده است که وجه مشترک تمام اقوال یاد شده، امتداد داشتن و متوسل شدن است؛ زیرا رشوه نیز نوعی توسل و دست درازی برای رسیدن به مقصود بوده که با همه اقوال ارتباط دارد.

معنای اصطلاحی

صاحب مجمع البحرین در تعریف رشوه نوشته است: «وَالرِّشْوَةُ بِالكَسْرِ مَا يَغْطِيهِ السُّخْصُ الْحَاكِمَ وَعَبْرَةٌ لِيُحْكَمَ لَهُ أَوْ يَحْمِلَهُ عَلَىٰ مَا يُرِيدُ»^۱ رشوه با کسر [راء] چیزی است که فرد به حاکم یا غیر او می دهد تا به نفع او حکم کند یا آنچه می خواهد، آن را انجام دهد.

ابن اثیر نیز در «النهاية» می نویسد: «الرِّشْوَةُ وَالرِّشْوَةُ الْوَضْلَةُ إِلَى الْحَاجَةِ بِالْمُضَانَعَةِ»^۲ رشوه و رشوه عبارت است از اینکه کسی با تبانی و پرداخت

حرمت و منشأ رشوه، اقسام رشوه و حکم آنها و زیانها و مفسدات این معضل شوم اجتماعی را مورد بررسی قرار دهیم.

معنای لغوی

رشوه لفظی عربی از ریشه «ر ش و» و به سه صورت: با فتح، ضم و کسر «راء» به کار رفته است. این کلمه مفرد است و جمع آن «رُشا» یا «رِشا» (با ضم یا کسر راء) است که در فارسی به معنای پاره و مزد می باشد.^۱

در لغت نامه دهخدا ذیل واژه «رشوه» چنین آمده است: «رشوه به معنای پاره و مزد است که پاره را برای برآورده شدن کاری دهند. آنچه بر کسی دهند تا کارسازی به ناحق کند و در فارسی قدیم آن را پاره گویند.»

بنابر توضیح فرهنگ دهخدا، قبل از ورود زبان عربی به ایران، واژه «پاره» استعمال می شده است؛ ولی بعد از ورود زبان عربی، به تدریج کلمه «رشوه» جایگزین لفظ «پاره» شده است.

معانی دیگری نیز از قبیل طناب، دراز کردن گردن جوچه و رشد شاخه

۱. منتهی الارب فی لغة العرب، عبد الرحيم صفی پور، انتشارات کتابخانه سنایی، ج ۱، ص ۴۵۱.

۲. مجمع البحرین، فخرالدین طریحی، انتشارات مرتضوی، ج دوم، ج ۱، ص ۱۸۴.

۳. النهایة فی غریب الحدیث والاثار، مجدالدین ابو محمد مبارک بن محمد الجزری، انتشارات المكتبة العلمية، بیروت، ج اول، ج ۲، ص ۲۲۶.

چیزی، به خواسته خود برسد.»

محمد جعفر جعفری لنگرودی در تعریف رشوه آورده است: رشوه (جزا) دادن مالی است به مأمور رسمی یا غیر رسمی دولتی یا بلدی به منظور انجام کاری از کارهای اداری یا قضایی ولو اینکه آن کار مربوط به شغل گیرنده مال نباشد. خواه مستقیماً آن مال را دریافت کند و یا به واسطه شخصی دیگر آن را بگیرد. فرق نمی‌کند که گیرنده مال توانایی انجام کاری را که برای آن رشوه گرفته، داشته باشد یا خیر و فرق نمی‌کند که کاری که برای راشی باید انجام شود، حق او باشد (بر طبق قانون) یا نه.^۱

دلایل حرمت رشوه

فقهای عظام، برای بیان حرمت رشوه از چهار دلیل: قرآن کریم، سنت، اجماع و عقل استفاده کرده‌اند.

۱. قرآن کریم

برای اثبات حرمت رشوه از چند آیه استفاده شده است که ما در این مقال دو آیه را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

«وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبُطْلِ وَتُدْءُوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِتَأْكُلُوا فَرِيقًا مِّنْ أَمْوَالِ

النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَأَنتُمْ تَعْلَمُونَ»^۲ «و اموال یکدیگر را به باطل [و ناحق] در میان خود نخورید و برای خوردن بخشی از اموال مردم به گناه، [قسمتی از] آن را [به عنوان رشوه] به قضات ندهید، در حالی که می‌دانید [این کار، گناه است].»^۳ واژه «أکل» با صیغه‌های گوناگون، بیش از صد مورد در قرآن کریم به کار رفته است و به معنای خوردن است. «أکل مال» در اینجا کنایه از تملک و تصرف اموال دیگران به ناحق است.^۳ روشن است که «خوردن»، هیچ خصوصیتی ندارد و تعبیر «أکل» بدان جهت آمده که خوردن مهم‌ترین نیاز انسان است و گرنه هر نوع تصرف و تملکی را چه به صورت خوردن باشد و چه به صورت پوشیدن و سکونت در بر می‌گیرد.

این آیه شریفه، مسلمانان را از یک عمل بسیار ناپسند نهی می‌کند، به آنان

۱. ترمینولوژی حقوق، محمد جعفر جعفری لنگرودی، انتشارات گنج دانش، چاپ یازدهم، ۱۳۸۰ ش، ص ۳۳۵.

۲. بقره/۱۸۸.

۳. دائرة الفرائد در فرهنگ قرآن، محمدباقر محقق، چاپ بعثت، ج ۱، ص ۵۶۷.

ظاهری در دادگاه، اموال را حلال نمی‌کند.

همچنین خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «سَمِعُونَ لَكَذِبٍ أَكَلُونَ لِلْسَخْتِ فَإِنْ جَاءَكَ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ أَوْ أَعْرِضْ عَنْهُمْ وَإِنْ تُعْرِضْ عَنْهُمْ فَلَنْ يَضُرُّوكَ شَيْئًا وَإِنْ حَكَمْتَ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ»^۲ «آنها بسیار به سخنان تو گوش می‌دهند تا آن را تکذیب کنند. مال حرام فراوان می‌خورند. اگر نزد تو آمدند، در میان آنان داوری کن یا [اگر صلاح بود] از آنان دوری کن [و آنها را به حال خود واگذار] و اگر از آنها صرف نظر کنی، به تو زیانی نمی‌رسانند و اگر میان آنها داوری کنی، با عدالت داوری کن که خدا عادلان را دوست دارد.»

درباره شأن نزول این آیه شریفه، روایات متعددی وارد شده که از همه روشن‌تر، روایتی است از امام باقر علیه السلام که خلاصه‌اش چنین است: «یکی از

دستور می‌دهد در اموال و ثروت‌های یکدیگر بدون حق تصرف نکنند و از غیر طریق صحیح، مالی به دست نیاورند، نکند تصرف اموال دیگران و خوردن آن به ناحق، آنان را به سوی قضات بکشاند و چیزی به عنوان هدیه و رشوه به آنان بدهند، تا اموال مردم را به ظلم تملک کنند؛ زیرا با این کار دو خلاف بزرگ مرتکب شده‌اند: خوردن حق دیگران و رشوه دادن.

علامه طباطبایی رحمته الله در تفسیر این آیه شریفه می‌فرماید: «ادلاء (مصدر تُدَلُّوا) در چاه کردن دلو برای کشیدن آب است و منظور از آن در آیه مبارکه، رشوه دادن به حاکمان می‌باشد که کنایه لطیف و زیبایی بر این مطلب است که حکم مورد نظر رشوه‌دهنده را به منزله آب ته چاه قرار داده که به وسیله دلو رشوه، از آن بیرون کشیده می‌شود. «فریق» قسمت جدا شده از چیزی است.»^۱

این آیه شریفه با صراحت می‌فرماید که اگر کسانی از طریق رشوه در دادگاه، حاکم شوند، مال مورد نزاع بر آنها حرام خواهد بود و حاکمیت

۱. المیزان فی تفسیر القرآن، علامه محمدحسین طباطبائی، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم، ج ۳، ص ۵۲.
۲. مانده/۴۲.

اشراف یهود خیبر که دارای همسر بود، با زن شوهرداری که او هم از خانواده‌های سرشناس خیبر محسوب می‌شد، عمل منافی عفت انجام داد. یهودیان از اجرای حکم تورات (سنگسار کردن) در مورد آنها ناراحت بودند و به دنبال راه حلی می‌گشتند که آن دو را از حکم مزبور معاف سازند و در عین حال پایبند بودن خود را به احکام الهی نشان دهند. این بود که به هم مسلکان خود در مدینه پیغام فرستادند که حکم این حادثه را از پیامبر اسلام ﷺ بپرسند [تا اگر در اسلام حکم سبک‌تری بود، آن را انتخاب کنند و در غیر این صورت، آن را نیز به دست فراموشی بسپارند و شاید از این طریق می‌خواستند توجه پیامبر اسلام ﷺ را نیز به خود جلب کنند و خود را دوست مسلمانان معرفی نمایند]؛ به همین جهت، جمعی از بزرگان یهود مدینه به خدمت پیامبر ﷺ شتافتند. آن حضرت فرمود: آیا هر چه حکم کنم، می‌پذیرید؟ آنها گفتند: به خاطر همین نزد تو آمده‌ایم. در این هنگام از سوی خداوند متعال

حکم سنگباران کردن کسانی که مرتکب زنا می‌شوند، نازل گردید؛ ولی آنها از پذیرفتن این حکم [به عذر اینکه در مذهب آنها چنین حکمی نیامده، شانه خالی کردند!] پیامبر ﷺ اضافه کرد: این همان حکمی است که در تورات شما نیز آمده. آیا موافقید که یکی از شما را به داوری بطلبیم و هر چه او از زبان تورات نقل کرد، بپذیرید؟ گفتند: آری.

پیامبر ﷺ فرمود: «این صوریا» که در فدک زندگی می‌کند، چگونه عالمی است؟ گفتند: او از همه یهود به تورات آشناتر است. هنگامی که وی نزد پیامبر ﷺ آمد، حضرت به او فرمود: تو را به خداوند یکتایی که تورات را بر موسی ﷺ نازل کرد و دریا را برای نجات شما شکافت و دشمن شما فرعون را غرق نمود و در بیابان شما را از مواهب خود بهره‌مند ساخت سوگند می‌دهم! بگو آیا حکم سنگباران کردن در چنین موردی در تورات بر شما نازل شده است یا نه؟ او در پاسخ گفت: سوگندی به من دادی که ناچارم بگویم: آری، چنین حکمی در

تورات آمده است. پیامبر ﷺ فرمود: چرا از اجرای این حکم سرپیچی می‌کنید؟

او در جواب گفت: حقیقت این است که ما در گذشته این حد را درباره افراد عادی اجرا می‌کردیم؛ ولی در مورد ثروتمندان و اشراف خودداری می‌نمودیم. این بود که گناه مزبور در طبقات مرفه جامعه ما رواج یافت تا اینکه پسر عموی یکی از رؤسای ما مرتکب این عمل زشت شد و طبق معمول از مجازات او صرف نظر کردند. در همین اثنا یک فرد عادی مرتکب این کار گردید. هنگامی که می‌خواستند او را سنگباران کنند، خویشان او اعتراض کردند و گفتند: اگر بنا هست این حکم اجرا بشود، باید در مورد هر دو اجرا بشود؛ به همین جهت، ما نشستیم و قانونی سبک‌تر از قانون سنگسار کردن تصویب نمودیم و آن این بود که به هر یک چهل تازیانه بزنیم و روی آنها را سیاه کرده و وارونه سوار مرکب کنیم و در کوچه و بازار بگردانیم. در این هنگام پیامبر ﷺ دستور داد که آن مرد و زن را در مقابل

مسجد سنگسار کنند.

و فرمود: خدایا! من نخستین کسی هستم که حکم تو را زنده نمودم، بعد از آنکه یهود آن را از بین بردند.^۱ در فقه القرآن قطب الدین راوندی درباره سُحت روایات فراوانی ذکر شده و در همه آنها، رشوه یکی از مصادیق سُحت بیان گردیده است. از جمله در ذیل این آیه شریفه: «أَكْثَرُونَ لِلْشُّحِّ» با اشاره به مصادیق متعدد «سُحت» در روایات، که یکی از آنها رشوه است، می‌نویسد: «وَالْآيَةُ تَدُلُّ عَلَيَّ جَمِيعِ ذَلِكَ بِمُؤْمِلِهَا»^۲ آیه، همه این موارد را در بر می‌گیرد. بسنا بر این، واژه سُحت عام بوده و همه مصادیق مذکور در روایات، از جمله رشوه را شامل می‌شود.

علامه طباطبایی رحمته الله علیه در تفسیر گرانسنگ «المیزان» در ذیل آیه شریفه

۱. تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی و جمعی از نویسندگان، دار الکتب الاسلامیه، ج ۴، ص ۳۸۱-۳۸۲.

۲. فقه القرآن، سعید بن هبة الله راوندی، انتشارات آیت الله مرعشی نجفی، قم، ج ۲، ص ۲۷.

﴿سَمَاعُونَ لَلْكَذِبِ أَكْأَلُونَ لِمَلْسَخَتِ﴾^۱
 «درباره مفهوم «سخت» می فرماید: «در
 «مفردات راغب» سخت به معنای
 پوستی است که کنده می شود... سَخَتْ
 و أَسَخَتْ هر دو به معنای متعدی
 «هلاک کردن» استعمال می شوند و
 سخت که به معنای کار حرامی است که
 باعث ننگ صاحب آن است و نیز از
 همین باب، یعنی متعدی است، که گویا
 دین و شرافت او را از بین می برد.

﴿أَكْأَلُونَ لِمَلْسَخَتِ﴾ یعنی چیزی که
 دینشان را از بین می برد، می خورند و
 پیامبر ﷺ فرمود: هر گوشتی که از
 سخت یا حرام بروید، آتش بدان
 سزاوارتر است. رشوه نیز سخت
 نامیده شده است. پس هر مالی که از
 حرام به دست می آید، سخت نام دارد و
 سیاق این آیه شریفه می رساند که
 منظور از سخت، همان رشوه است و با
 ذکر این ویژگی، روشن است که
 علمای یهود، گروهی از خود را به نزد
 پیامبر اسلام ﷺ فرستادند، و آنان در
 این بین رشوه‌ای گرفته بودند تا حکم
 خدا را تغییر دهند و چون ممکن بود
 حکم آنان باعث ضرر بعضی از آنها

گردد، با رشوه دادن جلو ضرر خود را
 گرفتند.»^۲

۲. روایات

در پسلیدی و حرمت رشوه
 احادیث فراوانی از اولیای اسلام
 رسیده است. به طور کلی روایات
 مربوط به رشوه را می توان از نظر
 مضمون به چند دسته تقسیم کرد.

دسته اول

بسیاری از روایات گرفتن رشوه
 را از مصادیق کفر دانسته اند. امام
 صادق علیه السلام فرمودند: «وَأَمَّا الرَّشَاءُ يَا عَمَّارُ
 فِي الْأَحْكَامِ فَإِنَّ ذَلِكَ الْكُفْرُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ
 وَيَسْرُؤُهُ»^۳ و امارشوه، ای عمار! در
 مورد احکام، کفر به خدای بزرگ و
 رسول او است.»

این روایت از این جهت که رشوه
 حرام است، مطلق می باشد؛ چه حکم
 قاضی به نفع و یا به ضرر او باشد و یا
 حکم به حق باشد یا باطل.

۱. مانده ۴۲/.

۲. المیزان فی تفسیر القرآن، علامه

محمدحسین طباطبایی، ج ۵، ص ۳۷۰.

۳. وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، انتشارات
 مکتبه الاسلامیه، ج پنجم، ج ۱۲، ص ۶۴، ح ۱۲.

بسیاری از روایات گرفتن رشوه را از مصادیق کفر دانسته‌اند

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «إِنَّا كُنْمُ وَالرِّشْوَةَ فَإِنَّهَا مَخْضُ الْكُفْرِ وَلَا يَشْمُ صَاحِبُ الرِّشْوَةِ رِيحَ الْجَنَّةِ»^۱ از رشوه دوری کنید؛ زیرا این کار کفر است و رشوه‌خوار بوی بهشت را استشمام نمی‌کند.

امام علی عَلِيٌّ از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل می‌کند که آن حضرت فرمود: «أَخَذُ الْأَمِيرَ الْهَدِيَّةَ سُخْتٌ وَقَبُولُ الْقَاضِيِ الرِّشْوَةَ كُفْرٌ»^۲ هدیه گرفتن زمامدار [از دیگران] حرام است و رشوه‌گیری حاکم شرع کفر است.

دسته دوم

روایات فراوانی دلالت دارد بر اینکه رشوه «سحت»^۳ است. از امام صادق عَلِيٌّ درباره مصادیق سحت سؤال شد. حضرت فرمود: «الرِّشْوَةُ فِي الْحُكْمِ»^۴ رشوه در حکم.

در روایت دیگری آن حضرت فرمود: «مِنْ أَكْلِ السُّخْتِ الرِّشْوَةُ فِي الْحُكْمِ قِيلَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ وَإِنْ حَكَمَ بِالْحَقِّ قَالَ إِنْ

حَكَمَ بِالْحَقِّ قَالَ فَإِنَّمَا الْحُكْمُ بِالْبَاطِلِ فَهُوَ كُفْرٌ كَمَا قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ «وَمَنْ لَمْ يَخُكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ»^۵ از مصادیق حرام‌خواری (سحت) رشوه در مورد حکم است. سؤال شد: هر چند حکم به حق کند؟ فرمود: هر چند حکم به حق کند؛ اما حکم به باطل، کفر به خداست؛ همان‌گونه که خداوند عزیز و جلیل فرمود: «هر کس بدانچه خدا نازل کرده حکم نکند، پس آنان کافرند.»

حضرت در این روایت میان رشوه در مورد حکم به حق و رشوه در مورد حکم به باطل تفصیل داده و قسم دوم را مصادیق و برابر با کفر دانسته است. با این روایت، روایاتی که دلالت بر این دارد که رشوه مطلقاً برابر با کفر است، تفسیر می‌شوند و آن دسته از روایات، حمل بر رشوه در مورد حکم

۱. بحار الانوار، محمدباقر مجلسی، انتشارات الوفاء، ج سوم، ج ۱۰۴، ص ۲۷۴.
۲. کنز العمال، علاء الدین متقی هندی، انتشارات رسالت، ۱۴۰۹ ق، ج ۶، ص ۱۱۲.
۳. که در بخش آیات درباره آن توضیح داده شد.
۴. وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۱ ع ۲.
۵. دعائم الاسلام، نعمان بن محمد التمیمی المغربي، دار المعارف بیروت، ۱۹۶۳ م، ج ۲، ص ۵۳۲، ح ۱۸۹۱.

به باطل می‌شوند.

دسته سوم

روایاتی که رشوه‌دهنده و گیرنده و حتی واسطه میان آنان را مورد نفرین و لعنت الهی قرار می‌دهند:

پیامبر اسلام ﷺ فرمود: «الرَّاشِي وَالْمُرْتَشِي وَالْمَاشِي بَيْنَهُمَا مَلْعُونُونَ»^۱ رشوه‌دهنده و گیرنده و واسطه میان آنها ملعون هستند.^۲

همچنین پیامبر ﷺ فرمود: «لَعْنُ اللّٰهِ الْاَكْبَرُ وَالْمُطْعَمُ الرَّشْوَةُ»^۳ لعنت خدا بر خورنده و خوراننده رشوه.

اخبار نشان می‌دهد که عمل ضد انسانی و ضد اجتماعی رشوه در آیین مقدس اسلام، حرام مؤکد و در شمار پلیدترین محرمات به حساب آمده است؛ به طوری که بسیاری از روایات شدید اللحن این باب، رشوه را در ردیف کفر و شرک به حق تعالی دانسته و در لسان خالق و مخلوق (رسول خدا) نیز رشوه‌دهنده و رشوه‌گیرنده و حتی واسطه میان آن دو به شدت مورد لعن و نفرین واقع شدند.

۳. اجماع

دلیل دیگری که بسیاری از فقیهان

در اثبات حرمت رشوه به آن استناد کرده‌اند، اجماع همه فرقه‌های اسلامی - اعم از شیعه و سنی - است. البته می‌توان گفت با وجود دلیل کتاب و سنت، تمسک به اجماع تنها به عنوان مؤید است، نه دلیل مستقل که اصطلاحاً به این نوع اجماعات، اجماع مدرکی گفته می‌شود؛ اما از آنجایی که برخی از بزرگان فقها به آن استناد کرده‌اند، به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌کنیم:

محقق کرکی در «جامع المقاصد» می‌نویسد: «أَجْمَعَ أَهْلُ الْإِسْلَامِ عَلَى تَحْرِيمِ الرَّشَا فِي الْحُكْمِ»^۴ مسلمانان در حرمت رشوه در حکم، اجماع کرده‌اند.

صاحب مفتاح الكرامة در این باره می‌فرماید: «وَيَحْزُمُ الرَّشَا فِي الْحُكْمِ... بِإِجْمَاعِ الْمُسْلِمِينَ كَمَا فِي جَامِعِ الْمَقَاصِدِ وَقَصَا وَالرَّوْضَةِ وَحَاشِيَةِ الْأَرْشَادِ وَهِيَ سُحْتٌ

۱. بحار الانوار، ج ۱۰۴، ص ۲۷۴.

۲. سفینه البحار، شیخ عباس قمی، انتشارات آیت الله مرعشی، ج ۳، ص ۳۶۰.

۳. کنز العمال، ج ۶، ص ۱۲.

۴. جامع المقاصد فی شرح القواعد، محقق کرکی، انتشارات آل البيت، چاپ اول، ج ۴، ص ۳۵.

روایات فراوانی دلالت دارد بر اینکه رشوه «سحت» است

بنابر این، درک قباحت رشوه قبل از اینکه یک امر شرعی باشد، یک مسئله عقلی است.

بر همین اساس است که علمایی چون مقدّس اردبیلی از عقل به عنوان دلیل مستقل بر حرمت رشوه یاد کرده‌اند؛ چنان‌که در کتاب «مجمع الفائدة والبرهان» آمده است: «ذَلِيلُهُ الْعَقْلُ وَالنَّقْلُ كِتَابًا وَاجْمَاعًا مِنَ الْمُسْلِمِينَ وَشَنَّةٌ»^۲ علت حرمت رشوه را می‌توان از عقل و نقل از حیث قرآن و اجماع مسلمین و سنت استفاده نمود. موسوی سبزواری در «مهذب الاحکام» نیز رشوه را از مصادیق بارز ظلم دانسته و می‌نویسد: «وَيَدُلُّ عَلَيَّ

بِإِلَّا خِلَافٍ كَمَا فِي الْمُنْتَهَى»^۱ رشوه در حکم ... به اجماع مسلمانان حرام است؛ همان‌طوری که در «جامع المقاصد» و «قضا» و «روضه» و «حاشیه ارشاد» ذکر شده است و آن بدون هیچ اختلافی سحت است؛ همان‌طوری که در «المنتهی» ذکر شد.

۴. عقل

با توجه به اینکه معمولاً رشوه دادن و گرفتن برای ابطال حق و رسیدن به یک هدف غیرقانونی و نامشروع صورت می‌پذیرد، عقل سلیم به‌طور مستقل به قباحت و زشتی آن پی می‌برد؛ زیرا درک حسن و قبح افعال، عقلی است؛ بنابر این، عقل خوبی عدل و بدی و زشتی ظلم را اصالتاً درک می‌کند. بر این اساس عقل می‌تواند حرمت رشوه را نیز بفهمد؛ زیرا رشوه جز در موارد خاص، از مصادیق ظلم و جور و تجاوز به حقوق دیگران است.

وقتی که حاکم و یا هر کارگزار دیگری حق کسی را به واسطه دریافت رشوه ضایع می‌کند، یعنی به او ظلم می‌کند، عقل سلیم قباحت و زشتی این عمل (ظلم) را به روشنی درک می‌کند؛

۱. مفتاح الکرامه، سیدمحمد جواد حسینی

عاملی، انتشارات آل‌البيت، ج ۴، ص ۹۱.

۲. مجمع الفائدة والبرهان فی شرح ارشاد الاذهان، احمد مقدس اردبیلی، انتشارات مؤسسه نشر اسلامی، ۱۳۶۲ش، ج ۱۲، ص ۴۲.

قُبِحَ حُكْمُ الْعَقْلِ أَيْضاً لِأَنَّهُ مِنَ الظُّلْمِ فَالْأَدَلَّةُ الْأَرْبَعَةُ دَالَّةٌ عَلَى حُرْمَتِهَا؛^۱ حکم عقل نیز بر قباحت رشوه دلالت می‌کند؛ زیرا از مصادیق ظلم است، پس ادله اربعه بر حرمت آن دلالت دارد.»

رشوه در قوانین جمهوری اسلامی

ایران

به پیروی از کتاب، سنت، اجماع و عقل، در قوانین جمهوری اسلامی ایران نیز ارتشاء جرم شناخته شده است.

ماده هشت مجموعه قوانین و مقررات رسیدگی به تخلفات اداری در ۳۸ بند تخلفات کارکنان دولت را ذکر نموده است که مرتکبین این اعمال جهت اتخاذ تصمیم قانونی باید به هیئتهای رسیدگی به تخلفات اداری سازمان یا وزارتخانه متبوع معرفی شوند.

بعضی از مجازاتهای مقرر رشوه در قانون مجازات اسلامی نیز به شرح ذیل می‌باشد:

ماده ۵۸۸: هر یک از داوران و

ممیزان و کارشناسان اعم از اینکه توسط دادگاه معین شده باشد یا توسط

طرفین، چنانچه در مقابل اخذ وجه یا مال به نفع یکی از طرفین اظهار نظر یا اتخاذ تصمیم نماید، به حبس از شش ماه تا دو سال یا مجازات نقدی از ۳ تا ۱۲ میلیون ریال محکوم و آنچه گرفته است، به عنوان مجازات مؤدی به نفع دولت ضبط خواهد شد.

ماده ۵۸۹: در صورتی که حکام محاکم به واسطه ارتشاء حکم به مجازاتی اشد از مجازات مقرر در قانون داده باشند، علاوه بر مجازات ارتشاء حسب مورد به مجازات مقدار زایدی که مورد حکم واقع شده، محکوم خواهند شد.

ماده ۵۹۰: اگر رشوه به صورت وجه نقد نباشد، بلکه مالی بلا عوض یا به مقدار فاحش ارزان‌تر از قیمت معمولی یا ظاهراً به قیمت معمولی و واقعاً به مقدار فاحشی کم‌تر از قیمت به مستخدمین دولتی اعم از قضایی و اداری به‌طور مستقیم یا غیر مستقیم منتقل شود یا برای همان مقاصد مالی به مقدار فاحشی گران‌تر از قیمت از مستخدمین یا مأمورین مستقیم یا غیر

۱. مهذب الاحکام فی مسائل الحلال والحرام، سید عبد الاعلی موسوی سبزواری، انتشارات آداب نجف اشرف، ۱۴۰۲ق، ج ۱۶، ص ۹۸.

با توجه به اینکه معمولاً رشوه دادن و گرفتن برای ابطال حق و رسیدن به یک هدف غیرقانونی و نامشروع صورت می‌پذیرد، عقل سلیم به طور مستقل به قباح و زشتی آن پی می‌برد

انجام آن مؤثر بوده یا نبوده باشد و مجازات‌هایی نیز برای مرتکبین تعیین نموده است و طبق تبصره ۴ ماده یاد شده، هرگاه میزان رشوه بیش از مبلغ ۲۰۰۰۰۰۰ ریال باشد، در صورت وجود دلایل کافی، صدور قرار بازداشت موقت به مدت یک ماه الزامی است.

از محتوای مواد قانونی این‌گونه استفاده می‌شود که قانونگذار با تصویب این قوانین و تعیین مجازات‌های مرتکبین ارتشاء، پیشگیری و مقابله را مد نظر قرار داده است.

ادامه دارد....

مستقیم خریداری گردد، مستخدمین و مأمورین مزبور مرتشی و طرف معامله راشی محسوب می‌شود.

ماده ۵۹۳: هر کس عالماً و عامداً موجبات تحقق جرم ارتشاء از قبیل مذاکره، جلب موافقت یا وصول و ایصال وجه یا مال یا سند پرداخت وجه را فراهم نماید، به مجازات راشی بر حسب مورد محکوم می‌شود.

ماده ۵۹۴: مجازات شروع به عمل ارتشاء در هر مورد حداقل مجازات مقرر در آن مورد است.

همچنین در ماده ۳ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری آمده است که چنانچه کارکنان و مأمورین دولتی برای انجام دادن یا انجام ندادن امری که مربوط به سازمانهای مزبور می‌باشد، وجه یا مال یا سند پرداخت وجه یا تسلیم مالی را مستقیماً یا غیر مستقیم قبول نمایند، در حکم مرتشی است. اعم از اینکه امر مذکور مربوط به وظایف آنها بوده یا آنکه مربوط به مأمور دیگری در آن سازمان باشد. خواه آن کار را انجام داده یا نداده و انجام آن بر طبق حقانیت و وظیفه بوده یا نبوده باشد و یا آنکه در انجام یا عدم